

Advising on the Right and Its Role in the Realization of the Community of Faith with Emphasis on Verse 3 of Surah Asr

Fatemeh Moradi¹

Received: 18/11/2021

Accepted: 07/12/2022



Abstract

Since every society needs to be built based on the principles and foundations of the school of thoughts it believes in, for its progress and advancement, the community of faith must also be built based on certain principles and foundations. Many verses of the Holy Qur'an have the mission of introducing the foundations of the community of faith; as in the third verse of Surah Asr, one of the fundamental principles of the community of faith i.e. advising on the right is introduced. The current study has been carried out with the aim of explaining the advice to the right and its role in the realization of the community of faith via a descriptive-analytical method. The findings of the study suggest that advising on the right is a public invitation to follow the right so that everyone knows the right and avoids falsehood. This sense of mutual responsibility will bring for society some gifts including the realization of social justice, the creation of unity and solidarity, the non-pervasiveness of the oppressors' sedition, victory over the enemies, avoiding losses and the preparation of the society for the reappearance of Imam Mahdi. Undoubtedly, each of these components will lead the society one step towards becoming a community of faith.

Keywords

Advising on the right, community of faith, enjoining good deeds, avoiding falsehood, Surah Asr.

1. Student of Level Four (PhD) in Islamic Seminary, comparative interpretation of the Qu'ran, Al-Zahra University. Qom. Iran. Barbalemaek1355@gmail.com.

* Moradi, F. (1401 AP). Advising on the Right and Its Role in the Realization of the Community of Faith with Emphasis on Verse 3 of Surah Asr. *Journal of Qur'an Sciences Studies*, 4(13), pp.153-182.

DOI: 10.22081/JQSS.2022.62448.1151

التواصي بالحق ودوره في بناء المجتمع الإيماني مع التركيز على الآية ٣ من سورة العصر فاطمة مرادي^١

تاريخ القبول: ٢٠٢٢/١٢/٠٧

تاريخ الإستلام: ٢٠٢١/١١/١٨



الملخص

نظراً لأن كل مجتمع من أجل تحقق تقدمه وتميزه وترقيته، يجب أن يبني على أسس ومبادئ المدرسة التي يؤمن بها، على هذا يجب أيضاً بناء المجتمع الإيماني على أساس مبادئ وأسس معينة. تهدف آيات عديدة من القرآن الكريم إلى التعريف بأسس المجتمع الإيماني، كما في الآية الثالثة من سورة العصر، فإن أحد المبادئ الأساسية للمجتمع الإيماني هو التواصي بالحق. تم تجميع هذه الدراسة بهدف شرح "التواصي بالحق" ودوره في بناء المجتمع الإيماني بطريقة وصفية تحليلية تشير نتائج هذه الدراسة إلى أن التواصي بالحق هو دعوة للجميع لطاعة الحق حتى يعرف الجميع الحق جيداً ويجتنب الباطل. إن هذا الشعور بالمسؤولية المتبادلة سيجلب للمجتمع تحقق العدالة الاجتماعية، وخلق الوحدة والتضامن، وعدم انتشار فتنة الظالمين، والانتصار على الأعداء، وتجنب الخسائر، وتهيئة المجتمع المنتظر. مما لا شك فيه أن كل عنصر من هذه المكونات سيقود المجتمع خطوة نحو الإيمان.

المفردات المفتاحية

التواصي بالحق، المجتمع الإيماني، الأمر بالمعروف، تجنب الباطل، سورة العصر.

١. طالبة المستوى الرابع في التفسير المقارن من جامعة الزهراء (عليها السلام). قم. إيران. Barbalemaek1355@gmail.com

* مرادي، فاطمة. (٢٠٢٢). التواصي بالحق ودوره في بناء المجتمع الإيماني مع التركيز على الآية ٣ من سورة العصر. الفصلية العلمية الترويحية مطالعات علوم قرآن (دراسات في علوم القرآن)، ٤(١٣)، صص ١٥٣-١٨٢.

DOI: 10.22081/JQSS.2022.62448.1151

تواصی به حق و نقش آن در تحقق جامعه ایمانی با تأکید بر آیه ۳ سوره عصر

فاطمه مرادی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۷



چکیده

از آنجاکه هر جامعه‌ای، برای تحقق و پیشرفت و تعالی خویش نیازمند بنیاد براساس مبانی و اصول مکتب مورد اعتقاد خویش است، جامعه ایمانی نیز باید براساس اصول و مبانی خاصی ساخته شود. آیات پرشماری از قرآن کریم، رسالت معرفی مبانی تحقق‌ساز جامعه ایمانی را بر عهده دارند؛ چنان‌که در آیه ۳ سوره عصر، تواصی به حق، یکی از اصول تشکیل‌دهنده جامعه ایمانی معرفی می‌شود. تحقیق پیش‌رو با هدف تبیین تواصی به حق و نقش آن در تحقق جامعه ایمانی به روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تواصی به حق یک دعوت همگانی به سوی تبعیت از حق است تا همگان حق را به‌خوبی بشناسند و از باطل دوری کنند. ارمغان این احساس مسئولیت متقابل، برای جامعه، تحقق عدالت اجتماعی، ایجاد وحدت و همبستگی، فراگیر نشدن فتنه ظالمان، پیروزی بر دشمنان، دوری از خسران و آمادگی جامعه برای ظهور خواهد بود. بی‌شک هر کدام از این مؤلفه‌ها، جامعه را یک گام به سمت ایمانی‌شدن رهنمون خواهد ساخت.

کلیدواژه‌ها

تواصی به حق، جامعه ایمانی، سفارش به خوبی‌ها، پرهیز از باطل، سوره عصر.

^۱ Barbalemalaek1355@gmail.com

۱. طلبه سطح ۴ گرایش تفسیر تطبیقی جامعه الزهراء(ع). قم. ایران.

* مرادی، فاطمه. (۱۴۰۱). تواصی به حق و نقش آن در تحقق جامعه ایمانی با تأکید بر آیه ۳ سوره عصر. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۴(۱۳)، صص ۱۵۳-۱۸۲. DOI: 10.22081/JQSS.2022.62448.1151

لازمه رسیدن به کمال مطلوب الهی و سعادت دنیا و آخرت، برپایی جامعه ایمانی است. جامعه ایمانی مانند هر جامعه دیگر، برای تحقق خویش نیازمند مبانی خاصی است. منظور از مبانی، اصول بنیادینی است که جامعه ایمانی براساس آن ساخته می‌شود. آیاتی چند از قرآن کریم به مبانی تحقق‌ساز جامعه ایمانی اشاره دارند. ایمان، عمل صالح، توأسی به حق و توأسی به صبر به‌عنوان اصلی‌ترین مبانی تشکیل‌دهنده جامعه ایمانی، در سوره عصر مطرح شده است و می‌توان از آنها به‌عنوان چهار ستون اصلی برای برپایی جامعه ایمانی نام برد که تحقق آنها، زمینه‌ساز تعالی و پیشرفت جامعه و نبود آنها موجب آسیب‌ها و بحران‌های مختلفی در جامعه خواهد بود.

با توجه به اینکه در اجتماع، رفتارهای انسان‌ها بر یکدیگر تأثیر دارند و انسان‌ها در زندگی مادی و معنوی، به یکدیگر وابسته‌اند، لازم است افراد جامعه به مسئولیت متقابلی که دارند، توجه ویژه داشته باشند و این توجه ویژه زمانی میسر است که توأسی به حق و نقش عظیم آن در سرنوشت جامعه، به‌خوبی تبیین گردد و مورد توجه قرار گیرد. عدم تبیین صحیح و دقیق توأسی به حق در جامعه و آسیب‌های جبران‌ناپذیری که غفلت از آن برای جامعه به بار خواهد آورد، محقق را بر آن داشت تا از میان مبانی تحقق جامعه ایمانی، به تبیین توأسی به حق و نقش آن در تحقق جامعه ایمانی بپردازد.

۱. پیشینه

با اینکه تحقیق و بررسی درباره توأسی به حق و نقش آن در تحقق جامعه ایمانی، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ ولی متأسفانه پژوهشی در این زمینه وجود ندارد و محققان بیشتر درخصوص جامعه ایمانی قلم‌فرسایی کرده‌اند که از جمله کتاب‌های انتشاریافته می‌توان به کتاب مدیریت خداوند در تکامل جامعه ایمانی اثر زهرا محمدیان شادباد و مهدی اسلام‌پناه و کتاب جامعه ایمانی در اسلام و مسیحیت نوشته فوروم الهیاتی اشاره کرد. پایان‌نامه‌های مرتبط نیز عبارت‌اند از: شاخصه‌های جامعه ایمانی و شیوه رفتاری آنان با مؤمنان و کافران از دیدگاه آیات و روایات نوشته زهره قدیمی؛ مقاله

«نقش عوامل دینداری و ایمانی در بهبود روابط اجتماعی از دیدگاه قرآن»، نوشته رضا آقاپور. همچنین سروش محلاتی، مقاله‌ای با عنوان «جامعه اسلامی یا جامعه ایمانی» در این زمینه نوشته است؛ بنابراین با توجه به فقدان پژوهش در این زمینه، مقاله پیش‌رو باهدف تبیین این موضوع و به روش توصیفی-تحلیلی تدوین گردیده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۱.۲. تواسی به حق

«تواسی» مصدر باب «تفاعل» از ریشه «وصی» به معنای «سفارش کردن به یکدیگر» است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۶۲). «حق» نیز از ریشه «حقوق» ضد باطل (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۵۸) و به معنای ثبوت همراه با مطابقت با واقع است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۶۲) که برای آن وجوه مختلفی عنوان شده است: اولین وجه آن در معنای ایجادکننده چیزی به اقتضای حکمت است؛ بنابراین در قرآن کریم به خداوند متعال که ایجادکننده پدیده‌های عالم به مقتضای حکمت است، حق گفته شده است (یونس، ۳۰)؛ دومین وجه آن، در معنای موجود است که آن هم به مقتضای حکمت ایجادشده است؛ ازاین‌رو در قرآن افعال خداوند متعال به‌عنوان حق معرفی شده‌اند (یونس، ۵)؛ سومین وجه آن به معنای اعتقادداشتن و باوردداشتن به چیزی است که این باور در ذات خود، مطابقت با حق دارد (بقره، ۲۱۳)؛ وجه چهارم آن، هر کار و سخنی است که برحسب واقع، آن‌طور که واجب است و در زمانی که واجب است، انجام می‌شود (یونس، ۳۳) (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۱۸).

تواسی به حق در اصطلاح به معنای سفارش کردن یکدیگر به تمام خوبی‌ها است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۷۰۰)، اعم از پیروی از حق و دوری از باطل (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۰۵)، تبعیت از پیامبران و زهد در دنیا (حسینی شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ص ۳۳۷)، انجام واجبات و ترک محرمات (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱۴، ص ۳۳۷) و عقاید اسلامی و اخلاق دینی (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۴۶۹)؛ به عبارت دیگر تواسی به حق، یک دعوت همگانی به

سوی حق است، تا همگان حق را از باطل به‌خوبی بشناسند و هرگز آن را فراموش نکنند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۳۰۲).

۲-۲. جامعه

«جامعه» از نظر لغوی، اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» به معنای گردآوردن، فراهم کردن یا فراهم آوردن است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۷)؛ بنابراین جامعه به معنای گردآورنده یا فراهم‌کننده یا فراهم‌آورنده خواهد بود. این واژه در عرف به معنای «گروه» و به‌ویژه «گروهی از انسان‌ها» به کار می‌رود (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۲۱). مفهوم جمع به معنای گردآوری در آیات بسیاری، مانند ۱۸-۱۹ قیامت و ۶۵ تغابن وجود دارد؛ ولی لفظ جامعه در قرآن کریم به کار نرفته است. قرآن کریم برای رساندن معنای «گروهی از انسان‌ها» از کلمات دیگری چون قوم، ناس، اناس، قریه و امت استفاده کرده که از میان این کلمات کلمه امت به مفهوم جامعه نزدیک‌تر است؛ چراکه در لغت، امت به گروهی اطلاق می‌شود که وجه مشترکی مانند دین واحد، زمان واحد، یا مکان واحد، به‌طور اختیاری یا اجباری داشته باشند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۹۳). کلمه امت در قرآن کریم بیشتر به معنای جامعه بشری و گروهی همسان در دین و آیین به کار رفته است که زمان یا مکان واحد آنها را به هم پیوند داده است (ر.ک: مائده، ۴۸؛ بقره، ۱۲۸ و ۱۳۴؛ اعراف، ۳۴؛ نحل، ۳۶).

جامعه در اصطلاح، مجموعه‌ای از افراد انسانی است که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند؛ به تعبیر دیگر جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمان‌ها، ادغام‌شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۵، صص ۱۸-۱۷).

۳-۲. جامعه ایمانی

جامعه ایمانی، جامعه‌ای است که افراد و نهادهای اجتماعی آن ینش و منش یا افکار

و رفتارهای خود را براساس معارف اسلامی و قوانین آن تنظیم می‌کنند و در سرزمینی که تحت حاکمیت شریعت اسلامی است به سر می‌برند (خطیبی، ۱۳۸۴، ص ۱۵).

۳. شاخصه‌های جامعه ایمانی

مبنای حقوقی جامعه ایمانی عبارت است از: پذیرش دین (شریعتمدار)، پذیرش زمامداری دینی (نظام دینی)، باور مردم به‌طور فردی و جمعی به دین و راهکارهای دینی (دین‌باور)، پذیرش داوری دین در مورد رفتار و اعمال افراد جامعه (دین‌داور) (میرمدرس، ۱۳۸۰، ص ۲۱۰)؛ بنابراین برای جامعه ایمانی چهار شاخصه اساسی وجود دارد: شریعتمداری، زمامداری دینی، دین‌باوری و دین‌داوری. جامعه‌ای که این چهار شاخصه اساسی را داشته باشد، مطلوب و مرضی خداوند خواهد بود.

۴. اهمیت توامی به حق

اهمیت توامی به حق از این جهت است که در اجتماع، رفتارهای انسان‌ها بر یکدیگر تأثیر دارند و انسان‌ها در زندگی مادی و معنوی، به یکدیگر وابسته‌اند؛ بنابراین باید برنامه سعادت انسان‌ها، ناظر بر این وابستگی‌ها باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۶۴)؛ از این رو در بینش الهی، خودسازی از جامعه‌سازی تفکیک‌پذیر نیست و لازمه رسیدن به سعادت انسان این است که هم خودش اهل نجات باشد و هم برای نجات دیگران قدم بردارد و آنان را به مسیر حق و حقیقت سفارش کند؛ به عبارت دیگر انسان به‌تنهایی نمی‌تواند امکانات لازم برای رسیدن به سعادت را فراهم کند، بلکه لازمه مؤمن بودن و مؤمن ماندن اصلاح جامعه است (صدیقی، ۱۳۹۳، شناسه ۳۸۱۶۶۴)؛ چراکه اگر جامعه اصلاح نشود و افراد به یکدیگر اهمیت ندهند، هرگونه آفت و انحرافی که در جامعه پیدا شود، به دلیل وابستگی فرد به جامعه، آفت و انحراف جامعه به او نیز سرایت خواهد کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۶۴). اگر افراد جامعه، مسلک خودسازی منهای جامعه‌سازی را دنبال کنند و نسبت به اموری چون ظلم، فساد، حرام‌خواری، بی‌عدالتی و حق‌کشی در جامعه حساسیتی نداشته باشند، به تدریج کل جامعه گرفتار فساد و تباهی خواهد شد و چنین

جامعه‌ای قطعاً محکوم به سقوط است؛ بنابراین تنها راه نجات فرد و جامعه این است که افراد جامعه نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت متقابل داشته باشند و تلاش کنند تا با تذکر و توصیه به حق، حجاب‌هایی را که پیروی از هوا و هوس چشم برخی افراد جامعه را پوشانده و مانع حق‌بینی آنها شده، کنار زنند و حق روشن و آشکار را به آنها نشان دهند تا در میان آنها باورمندی به حق ایجاد شود و اگر این باور همگانی ایجاد شود و جامعه بشری، بر پایه صحیح استوار گردد، یک مدینه فاضله از اهل حق و حقیقت تشکیل می‌شود.

۵. شمولیت توامی به حق

توأمی به حق، معنای وسیعی دارد، به طوری که علاوه بر توصیه به اعتقادات، شامل ترغیب به انجام اعمال صالح و همچنین امر به معروف و نهی از منکر نیز می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۶۱۲)؛ به عبارت دیگر هر رفتار و گفتاری که مطابق با حق و حقیقت باشد، تحت این دایره وسیع معنایی قرار می‌گیرد؛ بنابراین افراد جامعه ایمانی، نه تنها باید یکدیگر را به امور حقی که باید در قبال خداوند متعال انجام دهند، سفارش کنند، بلکه باید در اموری که بین خودشان نیز جاری است از معاملات و معاشرت و حقوق، یکدیگر را به درستی و حقیقت سفارش کنند (امین، ۱۳۶۱، ج ۱۵، ص ۲۷۴).

۶. اقسام توأمی به حق

توأمی به حق بر دو قسم است: توأمی کلامی و توأمی عملی.

۶-۱. توأمی کلامی

یکی از اقسام توأمی به حق، توأمی با کلام است. شایان ذکر است انسان‌ها در زندگی اجتماعی خویش، به صورت‌های مختلف بر یکدیگر تأثیرات مفید یا مضر می‌گذارند و بیشتر تأثیراتی که آنها بر یکدیگر دارند از طریق گفتار است. گاه انسان بدون اینکه متوجه باشد از کجا تأثیر پذیرفته، احساس می‌کند رفتار او تغییر کرده است.

بسیاری از اوقات تصوّر می‌کند عامل این تغییر خودش است، درحالی‌که رفتارش تحت تأثیر گفتار دیگری تغییر کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۶۱).

پس اهمیت توامی کلامی به دلیل تأثیرپذیری افراد از گفتار یکدیگر است. افراد جامعه ایمانی، با توصیه کلامی به حق، بر یکدیگر آثار مفید می‌گذارند و از این طریق زشتی‌ها و بدی‌های جامعه را اصلاح می‌کنند. توصیه کلامی به حق مصادیق متعددی دارد که افراد جامعه با توصیه آنها به یکدیگر، جامعه را به سمت ایمانی شدن سوق می‌دهند. برخی مصادیق آن عبارت‌اند از:

۱-۱-۶. توصیه به خداباوری

توصیه به خداباوری اولین و والاترین امری است که سفارش آن از سوی افراد جامعه به یکدیگر، زمینه‌ساز تحقق جامعه ایمانی است. قرآن کریم در سوره لقمان، خداوند را به‌عنوان حق معرفی کرده است: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ»؛ اینها همه دلیل بر آن است که خداوند حق است و آنچه غیر از او می‌خوانند، باطل است و خداوند بلندمقام و بزرگ‌مرتبه است (لقمان، ۳۰).

کلمه «حق» به وجود حقیقی و ثابت و پایدار اشاره دارد و در این جهان تنها خدا آن وجود حقیقی که قائم به ذات و ثابت و برقرار و جاودانه است. بقیه موجودات در ذات خود وجودی ندارند و عین بطلان‌اند که هستی خود را از طریق وابستگی به آن وجود حق پایدار به دست می‌آورند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۸۳)؛ از این رو در آیه ۳۰ سوره لقمان، ثبوت را منحصر در خدا می‌کند که تنها خدا ثابتی است که با بطلان آمیخته نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۵۳). حقانیت دیگر موجودات، وابسته به میزان اتصال آنها به خداوند است. هر اندازه ارتباطشان به وجود حق تعالی بیشتر گردد، به همان نسبت حقانیت بیشتری کسب می‌کنند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۸۳).

بنابراین وقتی افراد جامعه در تعاملات اجتماعی خود، یکدیگر را به باورمندی به حقیقت وجود خدا و حقانیت و سمیع و بصیربودن او بر تمامی گفتارها و رفتارهای پنهان و آشکار دعوت می‌کنند، روح ایمان در کالبد جامعه تقویت گشته و ارتباط افراد

جامعه با حق تعالی موجب حَقَانِیَّت و دوری آنها از باطل می‌شود. این ایمان و ارتباط، جامعه را به کوهی استوار مبدل می‌سازد که تندباد دشمنی‌ها و توطئه‌ها و تحریم‌ها، کوچک‌ترین تأثیر و خللی بر آن نخواهد داشت.

۶-۱-۲. توصیه به دین اسلام

در قرآن کریم، دین اسلام، مصداق روشن دیگری از حقّ است. خداوند متعال می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً»؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد (فتح، ۲۸).

منظور از «دین حق» در این آیه دین اسلام و احکام آن است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۱۶۸) که تا روز قیامت ثابت و باقی است و باطلی در آن راه ندارد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۲۱۸) و هر ناظری می‌تواند حَقَانِیَّت آن را در آیات قرآن و احکام فردی و اجتماعی و قضایی و سیاسی اسلام و همچنین تعلیمات اخلاقی و انسانی آن بنگرد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۱۱).

بنابراین افراد جامعه باید یکدیگر را به دین مبین اسلام سفارش کنند. با توجه به اینکه محتوای دین اسلام از دو بخش باورها، ارزش‌ها و احکام عملی تشکیل شده است، مؤمنان علاوه بر سفارش یکدیگر در مورد اصول دین، یعنی اعتقاد به اینکه خدا هست و عادل است، قیامت واقع می‌شود و پیغمبران از طرف خدا آمده‌اند، باید در مورد دستورهای دین نیز پیوسته متذکر هم شوند؛ یعنی پیوسته یکدیگر را متذکر شوند بر اینکه نماز بخوانند، روزه بگیرند، عدالت را رعایت کنند و... (ر.ک. پایگاه اطلاع‌رسانی آثار حضرت آیت‌الله مصباح یزدی، سخنان آیت‌الله مصباح یزدی در دفتر مقام معظم رهبری مورخه ۱۳۹۲/۶/۲۷).

۶-۱-۳. توصیه به قرآن

توصیه به قرآن در کنار توصیه به خداوند و دین اسلام، وظیفه دیگر مؤمنان نسبت به هم است؛ چراکه قرآن کریم به‌عنوان مصداق دیگری از حق است: «وَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ

مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ»؛ و آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، حق است؛ ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند (رعد، ۱).

از دیدگاه علامه طباطبایی حَقَانِیَّتِ قرآن از دو جهت است: یکی اینکه قرآن، دعوت کننده به سوی توحید است که آیات تکوینی، از قبیل به پاداشتن آسمانها، گستردن زمین، تسخیر آفتاب و ماه و سایر عجایبی که خدا در تدبیر آسمانها و زمین و در تقدیر آنها به کار برده است، همه بر آن دلالت دارند و جهت دیگر بر حَقَانِیَّتِ آن، اخبار و آثار گذشتگان است که خداوند پیامبرانش را با آیات و بیّنات، به سوی مردم فرستاد؛ ولی ایشان کفر ورزیدند و آنها را تکذیب کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۸۷).

با توجه به آنچه گفته شد، سفارش و دعوت به قرآن، در واقع سفارش و دعوت به توحید است؛ بنابراین اگر افراد جامعه یکدیگر را به انس با قرآن، که در سایه تلاوت و تدبّر و درک مفاهیم قرآنی محقق می شود، فراخوانند، نتیجه این تلاش همگانی آنها تقویت مهم ترین اصل جامعه ایمانی، یعنی توحید خواهد بود. بر همین اساس است که خداوند متعال مؤمنان را به قرائت قرآن، که قدم اول انس با قرآن است، امر می کند: «فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»؛ پس به اندازه ای که برای شما ممکن است از قرآن تلاوت کنید» (مزل، ۲۰).

زمانی که در جامعه، مردم با قرآن مانوس شوند، کفر و نفاق و سرکشی، راهی در جامعه نخواهد داشت. همچنین تحمّل سختی ها در سایه پناه بردن به قرآن، برای جامعه آسان خواهد شد؛ چرا که افراد جامعه، یگانه پشتیبان و کارساز خود را خدای متعال می دانند. در چنین جامعه ای قرآن تنها صوت غم انگیز مراسم ختم و تبرک سفره های عقد نیست، بلکه تعالیم نورانی و نجات بخش قرآن، مبنای زندگی تمامی افراد جامعه است؛ و چنین جامعه ای یک جامعه ایمانی و قرآن محور معرفی می شود.

۶-۱-۴. توصیه به امامت و ولایت پذیری

امر مهم و حقّ دیگری که افراد جامعه باید آن را به یکدیگر سفارش کنند، امامت و ولایت پذیری است. در قرآن کریم نیز توصیه به امامت و ولایت پذیری شده است؛

چنان که وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امر خداوند متعال حضرت علی رضی الله عنه را امام و پیشوای امت معرفی فرمودند، این آیه نازل شد: «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَ أَحْسُونِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ امروز کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابراین از آنها نترسید و از (مخالفت) من بترسید. امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم (مائده، ۳).

همچنین، بنابر حدیثی نقل شده از امام صادق رضی الله عنه منظور از «تواصوا بالحق» در سوره عصر، تواصی به امامت است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۶۶۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۵۰۶). رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز حضرت علی رضی الله عنه را محور حق معرفی کرده، می فرماید: «علی با حق است و حق با علی و بر زبان وی است و حق همان جا دور می زند که علی آنجا است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۴۳۲؛ جمعی از نویسندگان، بی تا، ج ۱، ص ۳۰).

توصیه به امامت به معنای این است که افراد جامعه، یکدیگر را به ولایت پذیر بودن و ثبات داشتن در صراط مستقیم ولایت، سفارش کنند و در سایه این نصایح، بر تلاش خود نسبت به نزدیک شدن به ائمه علیهم السلام و برقرار کردن پیوند روحی به آنان بیفزایند.

معنای دیگر ولایت پذیر بودن این است که افراد جامعه، در پرتو ایمان به خدا، هیچ گاه در مسائل اجتماعی، رهبران الهی خود را خواه پیامبر صلی الله علیه و آله باشد یا امام معصوم یا جانشینان با کفایت و درایت و با عدالت ایشان در عصر غیبت، رها نکنند؛ چرا که تعالی جامعه، وامدار ولایت پذیری افراد جامعه است. بر همین اساس ترک ولایت پذیری موجب تزلزل پایه های جامعه ایمانی خواهد شد. در این صورت اگر حاکم جامعه، امام معصوم هم باشد، جامعه مطلوب اسلام تشکیل نخواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، صص ۴۱۵-۴۱۶).

اگر تذکر به امامت و ولایت پذیری در تمام جامعه جریان داشته باشد، نتیجه این سفارش های فراگیر این می شود که جامعه به یک جامعه ولایی و ولایت پذیر به معنای واقعی کلمه تبدیل می شود.

۶-۱-۵. توصیه به میزان و معاد

یکی دیگر از مصادیق توأسی کلامی در جامعه، توصیه به میزان و معاد است. خداوند در قرآن، میزان و سنجش اعمال را حق معرفی می‌کند: «وَالْوِزْنَ يُؤْمِنُ بِالْحَقِّ فَمَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ وزن کردن (اعمال و سنجش ارزش آنها) در آن روز، حق است! کسانی که میزان‌های (عمل) آنها سنگین است، همان رستگاران اند (اعراف، ۸).

این آیه اثبات می‌کند که برای نیک و بد اعمال وزنی هست و مراد از وزن، سنگینی اعمال است؛ ولی از آیه ۱۰۵ سوره کهف «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا» فهمیده می‌شود که وزنی برای اعمال حبط شده نیست. پس هر عمل نیک و بدی که حبط نشده باشد وزنی دارد و میزانی است که آن وزن را معلوم می‌کند. حسنات موجب سنگینی میزان و سیئات موجب خفت و سبکی آن می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۰).

۱۶۳

مُطَالَعَاتُ

توأسی به حق و نقش آن در تحقق جامعه ایمانی با تأکید بر آیه ۲ سوره عصر

علاوه بر آیات، حق بودن میزان و سنجش اعمال در قیامت، در کلام معصومان علیهم‌السلام تأکید شده است؛ چنان که در زیارت آل یاسین در این زمینه آمده است: «أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحَشْرَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالْوَعْدَ وَالْوَعْدَ بِهِمَا حَقٌّ»؛ گواهی می‌دهم مرگ و ناگر و نکیر و زنده شدن و برانگیختن و صراط و کمینگاه و میزان و گردآوردن و حساب و بهشت و دوزخ و وعده و وعید هر دو آنها حق هستند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳، ص ۱۷۲ و ج ۹۱، ص ۳؛ قمی، ۱۳۸۶، ص ۹۱۵).

با توجه به حق بودن سنجش اعمال در قیامت، مؤمنان باید در توصیه‌های خویش، به یکدیگر این حقیقت مهم را تذکر دهند تا در دنیا به انجام اعمال صالح همت گمارند و از انجام سیئات و معاصی که موجب حبط اعمال نیک می‌شود، پرهیز نمایند. توصیه و تذکر پیوسته افراد جامعه به یکدیگر در مورد امر معاد و حق بودن و واقع شدن حتمی آن، منجر به معادباوری افراد جامعه و در پرتو آن انجام اعمال نیک و پرهیز از معاصی و محرمات خواهد شد.

۶-۱-۶. توصیه به انجام اعمال صالح

مؤمنان افزون بر اینکه در زمینه اعتقادات و باورها باید متذکر یکدیگر شوند، باید در حیطه رفتاری، یکدیگر را به انجام اعمال نیک و شایسته فراخوانند. این ویژگی منحصر به فرد جامعه ایمانی است که افراد آن تنها به سعادت فردی خود نمی‌اندیشند، بلکه با دعوت به انجام نیکی‌ها و خوبی‌ها، خواستار کمال و سعادت کل جامعه خویش هستند: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (آل عمران، ۱۰۴). به همین دلیل نه تنها خود اهل نمازند که دیگران را نیز با گفتار خیرخواهانه به سمت اقامه نماز دعوت می‌کنند، زکات مال خود را پرداخت می‌کنند و دیگران را نیز به این واجب الهی تشویق می‌کنند؛ دستگیر نیازمندان در خفا و آشکار هستند و دیگران را به انفاق و بخشش در راه خداوند متعال سفارش می‌کنند.

۶-۱-۷. امر به معروف و نهی از منکر

همان‌طور که پیش از این اشاره شد با توجه به شمولیت و عمومیت توأسی به حق، امر به معروف و نهی از منکر نیز در دایره توأسی به حق قرار می‌گیرد؛ بنابراین در راستای شکل‌گیری جامعه ایمانی لازم است که افراد جامعه به این امر مهم نیز توجه کافی داشته باشند.

امر به معروف و نهی از منکر یکی از ارکان اساسی اسلام و بهترین و زیباترین نشانه اهمیت به امور خلق و توجه به مسائل مسلمانان است. امر به معروف و نهی از منکر؛ یعنی انسان در برابر دیگران احساس مسئولیت کند. در آیات مختلفی از قرآن کریم به این احساس مسئولیت داشتن در مورد یکدیگر اشاره شده است، از جمله: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند. به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد. خداوند توانا و حکیم است (توبه، ۷۱).

آیه ذکر شده، حال مؤمنان را بیان می‌کند که با وجود کثرت و پراکندگی افرادشان، همه در حکم یک تن واحدند و به همین جهت بعضی از آنها، امور بعضی دیگر را عهده‌دار می‌شوند و هر کدام دیگری را امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. این امر به سبب ولایت داشتن آنها در امور یکدیگر است؛ آن هم ولایتی که تا کوچک‌ترین افراد اجتماع راه دارد که به خود اجازه می‌دهند یکدیگر را به کار نیک واداشته و از بدی‌ها بازدارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۵۵).

البته منظور از ولایت داشتن در آیه ذکر شده آن است که مؤمنان پشتیبان یکدیگرند و در برابر هم رحمت و محبت دارند (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۷۲؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۶۶)؛ یعنی آنها در راه خدا با هم برادری می‌کنند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۵۵) و از یاری رساندن به هم دریغ نمی‌ورزند (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۵۸) که همه این معانی در مفهوم امر به معروف و نهی از منکر نهفته است؛ چرا که احساس مسئولیت داشتن افراد جامعه در برابر یکدیگر، نشان از پشتیبانی و برادری و محبت داشتن آنها به هم است.

شایان ذکر است حضرت علی علیه السلام در بیان جایگاه ویژه امر به معروف و نهی از منکر در میان سایر احکام و دستورهای دینی می‌فرماید: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ»؛ و تمام کارهای نیکو و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر، چنان قطره‌ای بر دریای مواج و پهناور است (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، حکمت ۳۷۴).

نکته مهم دیگری که باید به آن اشاره شود، معنای معروف و منکر است. مراد از معروف، اوامر خدا و رسول، مستحسن شرعی و عقلی، هر امر موافق کتاب و سنت، تمام واجبات و مستحبات شرعی و مراد از منکر، نواهی خدا و رسول، هر امر قبیح از نظر عقل و شرع، هر امر مخالف قرآن و شریعت و همه محرّمات اسلامی است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۹۹).

البته باید توجه داشت که امر به معروف و نهی از منکر، دو مرحله دارد: یکی مرحله فردی که وظیفه همگانی است و دیگری مرحله جمعی و دسته‌جمعی که از شئون حکومت اسلامی محسوب می‌شود. این دو شکل از مبارزه با فساد و دعوت به سوی

حق، از شاهکارهای قوانین اسلامی محسوب می‌شوند که مسئله تقسیم کار و لزوم تشکیل یک گروه نظارت بر وضع اجتماعی و سازمان‌های حکومت اسلامی را مشخص می‌سازد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۶).

این بدین معنا است که در راستای تحقق جامعه ایمانی، علاوه بر آنکه افراد جامعه باید یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنند، لازم است حکومت اسلامی، با تشکیل یک گروه سازمان‌یافته و منسجم، با قدرت آن را دنبال کند.

گفتنی است امر به معروف و نهی از منکر سه درجه دارد: قلبی، گفتاری، عملی. در این قسمت، منظور، امر به معروف و نهی از منکر گفتاری است؛ چراکه امر به معروف و نهی از منکر در مرتبه قلبی که انسان به معروف و خوبی‌ها گرایش و محبت قلبی و از منکرات و بدی‌ها انزجار قلبی داشته باشد، نمودی در اصلاح بدی‌ها و زشتی‌های اجتماعی ندارد و مرتبه عملی نیز تحت توأسی عملی قرار می‌گیرد.

۲-۶. توأسی عملی

برای اصلاح کاستی‌ها و زشتی‌های جامعه، تنها توأسی گفتاری کافی نیست؛ یعنی تشکیل جامعه ایمانی، نیازمند نوع دیگری از توأسی با عنوان توأسی عملی نیز می‌باشد. منظور از توأسی عملی این است که مؤمنان با عمل و رفتار خویش، یکدیگر را به پیروی از حق و دوری از باطل سفارش کنند و فقط به توأسی گفتاری اکتفا نکنند؛ چراکه اکتفا کردن به توأسی گفتاری موجب می‌شود حال آنان شبیه حال علمای بی‌عمل بنی‌اسرائیل شود که قرآن کریم درباره آنان می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می‌کنید؛ اما خودتان را فراموش می‌نمایید، با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید. آیا نمی‌اندیشید؟! (بقره، ۴۴).

علما و دانشمندان یهود پیش از بعثت حضرت محمد ﷺ مردم را به ایمان به وی دعوت می‌کردند و بشارت ظهورش را می‌دادند؛ ولی هنگام ظهور آن حضرت از

ایمان آوردن خودداری کردند؛ همچنین آنان به بستگان خود که اسلام آورده بودند، توصیه می کردند به ایمان خویش باقی و ثابت بمانند؛ ولی خودشان ایمان نمی آوردند؛ بنابراین در این آیه آنها را بر این کار مذمت کرده، می فرماید: «آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید، ولی خودتان را فراموش می نمایید» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۵۴). ظاهر آیه، خطاب و اعتراض به علمای بنی اسرائیل است؛ ولی در واقع اعتراض به هر کسی است که مردم را به عمل نیک توصیه کند و خود اهل عمل نباشد (امین، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۰۳).

اصولاً این یک برنامه اساسی برای دعوت کنندگان به راه حق است که پیش از سخن، مردم را با عمل خود به تبعیت و پیروی از حق دعوت کنند. تأثیر عمیق دعوت عملی از اینجا سرچشمه می گیرد که هرگاه شنونده بداند گوینده از دل سخن می گوید و به گفته خویش صددرد ایمان دارد، گوش جان خود را به روی سخنانش می گشاید و سخن که از دل برخیزد، بر دل می نشیند و در جان اثر می گذارد و بهترین نشانه ایمان گوینده به سخنش این است که خود قبل از دیگران به آنچه می گوید عمل کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۶).

نقش این دعوت عملی در اصلاح و سازندگی فرد و جامعه بسیار مؤثر است تا آنجا که امام صادق علیه السلام می فرماید: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيُرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَ الْإِحْتِهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ الْحَيَرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ؛ مردم را با غیر زبان و با اعمال خود، به حق و خوبی ها دعوت نمایید. باید مردم از شما ورع و پرهیز کاری و کوشش و جدیت و نماز و خیر ببینند؛ چرا که اینها خود دعوت کننده اند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۸).

این حدیث شریف از یک سو بر این دلالت دارد که کسانی که دعوت کننده دیگران به خیر و خوبی ها هستند، باید در درجه اول، خود عامل به حق باشند و از سوی دیگر بر این دلالت دارد که دعوت و توصیه افراد عامل به حق، تأثیر بیشتر و بهتری در پذیرش حق از سوی دیگران و اصلاح آنها دارد.

نمونه والای توأسی به حق عملی، قیام امام حسین علیه السلام بر ضد حکومت فاسد یزید (لعنه الله) است. عاشورای تا ابد ماندگار امام حسین علیه السلام بر همگان این درس را آموخت که برای احیای حق در جامعه نه تنها باید از سر و جان و تن خویش گذشت، بلکه ارزش

احیای حق و راستی در جامعه به اندازه‌ای است که حتی اگر گلوی نازک طفل شیرخوارت آماج تیر کینه بدخواهان و دشمنان راه حق و حقیقت قرار گرفت، سر را به آسمان بلند نمایی و عاشقانه نجوای «الهی رضاً برضاک» سردهی.

همچنین همان‌طور که در قسمت قبل بیان شد، مرتبه سوم امر به معروف و نهی از منکر، مرتبه عملی است که زیرمجموعه توأسی به حق عملی، قرار می‌گیرد؛ البته چون احتمال دارد این مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر با اعمال زور انجام شود و صدمه‌ای به طرف مقابل وارد شود یا منجر به قتل او شود، دیگر وظیفه عاقله مردم نیست، بلکه وظیفه حاکم شرع یا کسی است که از طرف حاکم شرع اجازه داشته باشد؛ چون اگر آحاد جامعه به صورت شخصی بخواهند این کار را انجام دهند، مستلزم هرج و مرج در جامعه می‌شود (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۷۵).

۷. نقش توأسی به حق در تحقق جامعه ایمانی

توأسی به حق، نقش چشمگیری در تحقق جامعه ایمانی ایفا می‌کند که به برخی از این نقش‌ها اشاره می‌شود:

۷-۱. استواری پایه‌های دین

وقتی افراد جامعه، خیرخواهانه و دلسوزانه یکدیگر را به پیروی از حق و دوری از باطل سفارش کنند، نتیجه آن، پررنگ شدن باورها و ارزش‌ها در قلب و روح مردم و به عبارت دیگر موجب استواری پایه‌های دین و پایداری شریعت در جامعه خواهد شد؛ همان‌طور که امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «قَوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأُمُّ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ؛ استواری شریعت، به امر به معروف و نهی از منکر و برپاداشتن حدود الهی است» (محمدری شهری، ۱۳۹۱، ج ۷، ص ۳۲۱).

این حدیث نورانی درباره امر به معروف و نهی از منکر است؛ اما همان‌طور که بیان شد این فریضه، نمونه‌ای از توأسی به حق است؛ در نتیجه استواری پایه‌های دین نقش توأسی به حق در معنای عام آن خواهد بود.

۲-۷. عدالت اجتماعی

توصیه به حق‌پذیری و حق‌مداری و نظارت عمومی افراد جامعه بر یکدیگر با احیای عدالت و ایجاد زندگی عادلانه برای اقشار مختلف جامعه رابطه مستقیمی دارد؛ چراکه یکی از امور حقی که مؤمنان یکدیگر را به ملتزم بودن به آن دعوت می‌کنند، عدالت‌ورزی در زندگی اجتماعی است؛ بدین معنا که حق صاحبان استحقاق بدون هیچ تبعیضی به آنها داده شود؛ بر این اساس، اگر حق هیچ صاحب حقی ادا نشود، برخلاف عدالت است؛ همچنان که اگر تبعیض باشد و حق بعضی داده شود و حق بعضی دیگر داده نشود، باز برخلاف عدالت است. عدالت از این منظر، ملازم با مساوات است؛ یعنی به همه به چشم مساوی نگرستن و تبعیض قایل نشدن. لازمه این گونه مساوات، عدالت است؛ یعنی به هر کسی طبق استحقاقش داده شود؛ اگر استحقاق بیشتری دارد، بیشتر داده شود و اگر استحقاق کمی دارد، کمتر داده شود و در این جهت تبعیضی صورت نگیرد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۶، صص ۴۶-۴۷).

۱۶۹

مُظَالَمَاتُ الْعَدْلِ

طبعاً توصیه‌های متقابل افراد به یکدیگر در این زمینه سبب می‌شود تفکر عدالت‌محوری، در تاروپود فرد و جامعه نفوذ کند و آنها را به سمت اقامه قسط و عدل در جامعه هدایت نماید و در نهایت فراگیر شدن عدالت، کشتی حیات اجتماع را به سر منزل مقصود و ساحل نجات می‌رساند؛ چنین جامعه‌ای، هیچ‌گاه دچار انحطاط و پستی نخواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۴)؛ بر همین اساس است که خداوند متعال به این اصل مهم اجتماعی توجه خاص کرده، می‌فرماید: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»؛ عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است (مائده، ۸).

بر اساس این آیه، اگر مؤمنان حقوق یکدیگر را محترم شمارند، این امر به تقوای از معصیت الهی و تقوای از عذاب الهی نزدیک‌تر است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۳۲۰)؛ چراکه تقوا به معنای کنترل نفس از ارتکاب معاصی است و زمانی که افراد جامعه به حق دیگری تعدی نکنند، در واقع از معصیت الهی پرهیز کرده‌اند، در نتیجه با این پرهیز، خود را از عذاب الهی مصون داشته‌اند.

۳-۷. فراگیر نشدن فتنه ظالمان

در هر جامعه‌ای همیشه افرادی وجود دارند که در پی فتنه‌انگیزی در میان افراد جامعه هستند. جامعه‌ایمانی نیز، از این امر مستثنی نیست. برای جلوگیری از فراگیر شدن فتنه آنان باید دنبال راهکار بود. همان‌طور که اگر در یک ساختمان تنها یک نفر بنزین بریزد و کبریت زند فقط آن یک نفر نمی‌سوزد، بلکه آتش دامن تمامی افراد آن ساختمان را خواهد گرفت؛ حال جامعه نیز چنین است، فتنه یک یا چند نفر در جامعه، دامن همه را خواهد گرفت. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛ و از فتنه‌ای پرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد و بدانید خداوند کیفر شدید دارد (انفال، ۲۵).

مراد از «فتنه» در این آیه، از دیدگاه برخی مفسران، عذاب الهی است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۱۱) و طبق نظر پاره‌ای دیگر، استقرار منکر و تغییر نکردن آن می‌باشد (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۰) و از منظر برخی دیگر، بلایی است که باطن انسان را ظاهر می‌سازد یا هرج و مرجی است که افراد را به ظلم می‌کشاند (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۰۲).

مفهوم فتنه هر چه باشد، این آیه دلالت بر این دارد که هنگامی که نیکان جامعه در ادای رسالت خود کوتاهی کنند و در برابر منکرات و وظیفه‌نشناسی برخی مردم در جامعه سکوت کنند، ناامنی و هرج و مرج در جامعه به بار می‌آید و نیکان و بدان، هر دو در این آتش می‌سوزند و دامن انسان‌های بی‌گناه و کسانی که در این فتنه نقشی نداشته‌اند نیز می‌گیرد. این خطاری است که خداوند در این آیه به جوامع انسانی می‌دهد تا از چنین فتنه‌ای پرهیز کنند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۳۱). لازمه پرهیز از چنین فتنه‌ای این است که افراد جامعه یکدیگر را به‌حق‌پذیری سفارش کنند و علاوه بر انجام وظایف خود، دیگران را به انجام وظیفه وادارند. تنها در این صورت است که فتنه فتنه‌گران و توطئه‌ظالمان در جامعه تأثیری نخواهد داشت (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴).

۴-۷. وحدت و همبستگی

وقتی افراد جامعه تنها به سعادت فردی خویش نیندیشند و سرنوشت و سعادت دیگر افراد جامعه نیز برای آنها مهم باشد و یکدیگر را دعوت به خیر و خوبی و حق و راستی و پرهیز از باطل و زشتی و بدی کنند، این امر موجب وحدت و همبستگی در بین آنان خواهد شد و اساساً شرط بقا و دوام جامعه و جلوگیری از نفوذ و توطئه دشمنان و پیروزی بر آنان در گرو همین همبستگی میان افراد جامعه است؛ به همین علت است که خداوند مؤمنان را به پرهیز از تفرقه امر می‌کند و می‌فرماید: «وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زیند و پراکنده نشوید (آل عمران، ۱۰۳).

این آیه دلالت دارد بر اینکه تمسک و چنگ زدن به حبل الهی موجب وحدت میان مؤمنان می‌شود. مفسران برای «حبل الله» معانی مختلفی از جمله توحید و ولایت (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۸)، دین اسلام (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۵۴۶) و قرآن (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۶۰) بیان کرده‌اند؛ اما باید گفت مفهوم وسیع ریسمان الهی که عبارت است از هر گونه وسیله ارتباط با ذات پاک خداوند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۰) که تمسک به آن موجب نجات از چاه ضلالت و گمراهی می‌شود (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۹۴) شامل همه معانی ذکر شده می‌شود.

روشن است توأسی به حق که مؤمنان در جامعه عملی می‌کنند، در واقع توصیه چنگ زدن به ریسمان الهی است؛ چون همان‌طور که بیان شد توصیه به خدا باوری و دین اسلام و ولایت‌پذیری و... زیرمجموعه توأسی کلامی هستند و همه این موارد در مفهوم وسیع حبل الله جای می‌گیرند؛ بنابراین توأسی به حق در این زمینه‌ها، نتیجه‌ای جز وحدت و همبستگی بین آحاد جامعه نخواهد داشت و حال چنین جامعه‌ای با وجود افرادی که تلاش همگانی در حفظ خوب ماندن یکدیگر دارند، مانند ساختمانی است که هر جزء آن جزء دیگر را محکم نگه می‌دارد؛ چنان که پیامبر اکرم ﷺ وحدت بین مؤمنان را به اجزای ساختمان تشبیه کرده، می‌فرماید: «المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضا؛ مؤمن برای مؤمن مانند ساختمان است که اجزای مختلف آن یکدیگر را محکم می‌سازند» (محمدری شهری، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۷۹).

۵-۷. پیروزی بر دشمنان

نقش دیگر توأسی به حق در جامعه، پیروزی بر دشمنان است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛ و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند؛ [زیرا] حزب و جمعیت خدا پیروز است (مانده، ۵۶).

منظور از «ولایت» در این آیه، به قرینه «حزب‌الله» و «غلبه» سرپرستی و رهبری و تصرف است (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۴، ص ۴۳۳). این ولایت، درباره خدا و رسول اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین و دیگر ائمه علیهم السلام ولایت واحدی است که برای خداوند به اصالت و برای رسول خدا و امیرالمؤمنین به تبعیت و به اذن خدا ثابت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۹) و همچنین مراد از حزب، جماعتی است که دارای یک رأی و عقیده و مسلک هستند؛ از این رو به جماعتی که تابع دستورهای الهی باشند، حزب‌الله می‌گویند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۶۰۵).

بر اساس آیه ذکرشده، وقتی افراد جامعه، در وهله اول خودشان حق و راستی را بپذیرند، یعنی به ولایت الهی و رسول اکرم و ائمه علیهم السلام گردن نهند و از دستورهای الهی تبعیت کنند و خیرخواهانه دیگران را نیز به پذیرش این حق و تبعیت از آن دعوت نمایند؛ چنین امت و جماعتی، حزب الهی هستند که به تضمین خداوند متعال، بر باطل و دشمنان حق و حقیقت پیروز خواهند گشت. دلیل این پیروزی این است که حق روشن‌ترین راه‌ها است (آمدی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۸) و افراد حق‌پذیر نه تنها خود، بلکه کل جامعه را از منحرف شدن از صراط مستقیم حفظ می‌کنند؛ بنابراین در برابر دشمنان پیروز خواهند گشت. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لا یغلب من یتظهر بالحق؛ کسی که به حق پشت قوی می‌کند، شکست نمی‌خورد» (آمدی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۸).

۶-۷. آمادگی جامعه برای ظهور

چنان‌که بیان شد از جمله مصادیق توأسی به حق، توصیه به انجام اعمال صالح است و امید به آینده و انتظار فرج و حاکمیت مطلق حق از مسائل حیاتی اسلام و در شمار

مهم‌ترین اعمال صالح به شمار می‌رود؛ چنان‌که در حدیث شریفی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ بَرْتَرِينَ أَعْمَالِ أُمَّتٍ مِنْ أَنْتِظَارِ فَرَجٍ مِنْ خَدَائِدِ بَرْزَخٍ وَبَلَدٍ قَدَرِ اسْتِ» (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۴۴).

نکته‌ای که در خصوص این حدیث شریف باید به آن توجه کرد، این است که این حدیث ناظر بر انتظار سازنده است. در انتظار سازنده فرد عملاً در گروه اهل حق و مبارزه با فساد و گناه و تباهی قرار دارد و تمام تلاش خود را در راستای تحقق حق و راستی و عدالت در جامعه به کار می‌بندد (مطهری، بی‌تا، صص ۵۸-۵۶). انتظار هرگز به معنای متوقف شدن و دست از تلاش و کوشش برداشتن و تن دادن به هر نوع ستم و گناهی نیست، بلکه همان‌طور که رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «انتظار به معنای قانع‌نشدن به وضع موجود است. "انتظار داریم"، یعنی هرچه خیر و عمل خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیر کافی است و منتظریم تا ظرفیت نیکی عالم پُر بشود» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱). وقتی افراد جامعه خود را در مقابل یکدیگر مسئول بدانند و یکدیگر را به پیروی از حق و پرهیز از باطل و انجام خوبی‌ها و پرهیز از زشتی‌ها سفارش کنند، درواقع انتظار سازنده و انتظار به معنای امید و حرکت را معنا کرده‌اند؛ بی‌شک چنین جامعه سرزنده و پویایی، لحظه به لحظه خود را به سمت ظهور نزدیک‌تر می‌کند.

۷-۷. رهایی از خسران

رهایی از خسران، نقش دیگر تحقق تواصی به حق در جامعه است. خداوند به این حقیقت مهم، در آغاز سوره عصر اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَالْعَصْرِ؛ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلِيمٍ خُسْرٍ؛ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ». با توجه به اینکه استثنا در آیه سوم، استثنا از جنس انسان است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۷، ص ۲۶۲) روشن می‌شود که همه انسان‌ها در بازار بزرگ دنیا زیان می‌کنند، مگر گروهی که ایمان آورده، اعمال صالح انجام دهند و یکدیگر را به پیروی از حق و صبر و استقامت سفارش کنند؛ البته خسران در اینجا اعم از خسران به تمام معنا و خسران از بعضی جهات است؛ بر این اساس دو طایفه خاسرند: یکی آن‌هایی که از جمیع جهات زیانکارند، نظیر

کفّارِ معاندِ حق و مخلّد در عذاب و دیگر آنهایی که از بعضی جهات خاسرند، مانند مؤمنانی که مرتکب فسق می‌شوند و مخلّد در آتش نیستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۶۱۱).

نتیجه‌گیری

تواصی به حق یک دعوت همگانی به سوی تبعیت از حق است تا همگان حق را به‌خوبی بشناسند و از باطل دوری کنند.

اهمیت تواصی به حق از این جهت است که در اجتماع، رفتارهای انسان‌ها در یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارد و انسان‌ها چه در زندگی مادی و چه در زندگی معنوی، به یکدیگر وابسته‌اند.

تواصی به حق بر دو قسم است: تواصی کلامی و عملی. افراد جامعه باید علاوه بر آنکه با گفتار خویش، یکدیگر را به پیروی از حق و دوری از باطل سفارش می‌کنند، با عمل و رفتار خود نیز تواصی به حق را اجرا کنند.

توصیه به خدااباوری، دین اسلام، قرآن، امامت و ولایت‌پذیری، میزان و معاد، اعمال صالح و... از جمله مصادیق تواصی به حق است.

تواصی به حق و احساس مسئولیت متقابل در برابر یکدیگر، از یک‌سو موجب استواری پایه‌های دین و وحدت و همبستگی و از سوی دیگر موجب فراگیر نشدن فتنه ظالمان و پیروزی بر دشمنان و رهایی از خسران خواهد شد که تحقق این مؤلفه‌ها در جامعه، تحقق‌سازِ یک جامعه‌ایمانی خواهد بود.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه. (۱۳۸۷). (مترجم محمد دشتی، چاپ چهارم). قم: نشر الهادی.

۱. آمدی، عبدالواحد. (۱۳۹۳). غررالحکم و درر الکلم. (ج ۱، مترجم: محمد رحمتی شهرضا، چاپ سوم). قم: صبح پیروزی.

۲. آقاپور، رضا. (۱۳۹۱). نقش عوامل دینداری و ایمانی در بهبود روابط اجتماعی از دیدگاه قرآن. دوفصلنامه علمی - تخصصی. اسلام و علوم اجتماعی، ۴(۷)، صص ۸۴-۱۰۵.

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر. (۱۴۲۰ق). التحرير و التئوير (ج ۳۰). بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.

۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (ج ۱۴). بیروت: دارالکتب العلمیه.

۳. الهیاتی، فوروم. کلیسا و امت؛ جامعه ایمانی در مسیحیت و اسلام. آلمان: مرکز الهیات اسلامی دانشگاه مونستر.

۴. امین، نصرت. (۱۳۶۱). مخزن العرفان (ج ۱ و ۱۵). تهران: نهضت زنان مسلمان.

۵. بحرانی، هاشم. (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن (ج ۵). تهران: بنیاد بعثت.

۶. جمعی از نویسندگان. (بی تا). موسوعه شبهات امام علی (ع) (ج ۱). قم: سازمان حج و زیارت.

۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تفسیر موضوعی قرآن کریم، جامعه در قرآن (چاپ دوم). قم: اسراء.

۸. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۳). تفسیر اثناعشری (ج ۲، ۱۲ و ۱۴). تهران: میقات.

۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۹/۱۲/۱۱). بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با افسشار مختلف مردم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری:

<https://b2n.ir/w59313>

۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۱/۰۳/۲۴). بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با بیانان در دیدار نمایندگان مجلس نهم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری: <https://b2n.ir/y74175>
۱۱. خطیبی، محمد. (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی جامعه اسلامی و جامعه مدنی. قم: زمزم هدایت.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن (ج ۱ و ۴، چاپ دوم، مترجم: غلامرضا خسروی). تهران: مرتضوی.
۱۳. زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (ج ۲). بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۴. سروش محلاتی، محمد. (۱۳۹۳). جامعه اسلامی یا جامعه ایمانی. مجله دندانپزشکی جامعه اسلامی دندانپزشکان، ۲۶(۱)، صص ۵-۷.
۱۵. سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور (ج ۲ و ۳). قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته‌الله.
۱۶. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۷). کمال‌الدین و تمام النعمه (ج ۲، مترجم: محمدباقر کمره‌ای). تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
۱۷. صدیقی، کاظم. (۱۳۹۳). خودسازی و جامعه‌سازی. گاهنامه الکترونیکی صاحب‌شناسه ۳۸۱۶۶۴.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان (ج ۶، ۹، ۱۱، ۱۶، ۱۸ و ۲۰، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱، ۶ و ۲۷). تهران: انتشارات فراهانی.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۲، ۵ و ۱۰). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. طبیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (ج ۴، ۶ و ۱۲). تهران: انتشارات اسلام.

۲۲. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالثقلین (ج ۵). قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۳. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب (ج ۱۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. قدیمی، زهره. (۱۳۹۵). شاخصه‌های جامعه ایمانی و شیوه رفتاری آنان با مومنان و کافران از دیدگاه آیات و روایات (استاد راهنما: محسن احتشامی‌نیا). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲۵. قرشی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن (ج ۲، چاپ ششم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. قمی، عباس. (۱۳۸۶). مفاتیح الجنان (مترجم: محمدباقر کمره‌ای چاپ هشتم). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۷. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی (ج ۱، چاپ سوم). قم: دارالکتاب.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۲، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ج ۱۰، ۵۳ و ۹۱، چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۱). دانشنامه قرآن و حدیث (ج ۱ و ۷، مترجم: حمیدرضا شیخی). قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۳۱. محمدیان شادباد، زهرا؛ اسلام‌پناه، مهدی. (۱۳۹۷). مدیریت خداوند در تکامل جامعه ایمانی: سیر نزول آیات یا ایهاالذین آمنوا. تهران: منشور سمیر.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۷). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: بین‌الملل.
۳۳. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). پنجاهای امام صادق علیه السلام به رهجویان صادق (چاپ سوم). قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۲). مسئولیت متقابل اجتماعی. مجله پاسدار اسلام، (۳۸۳)، صص ۱۴-۱۵.

۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۲/۰۶/۲۷). درس گفتار تبیین مفاهیم و کاربردهای حق در قرآن. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی آثار آیت‌الله مصباح یزدی:
<https://b2n.ir/z82334>
۳۶. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن (ج ۲). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). مجموعه آثار، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (ج ۵ و ۶، چاپ پنجم). تهران: صدرا.
۳۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). ده گفتار (چاپ نوزدهم). تهران: صدرا.
۳۹. مطهری، مرتضی. (بی‌تا). قیام و انقلاب مهدی علیه السلام (چاپ ششم). تهران: صدرا.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (ج ۱، ۳، ۴، ۷، ۱۷، ۲۰ و ۲۲). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. میدی، احمد بن ابی‌سعد. (۱۳۷۱). کشف‌الاسرار و عده‌الابرار (ج ۴). تهران: امیرکبیر.
۴۲. میرمدرس، موسی. (۱۳۸۰). جامعه برین. قم: بوستان کتاب.

References

- * The Holy Quran.
- ** Nahj al-Balagha. (1387 AP). (Dashti, M, Trans., 4th Ed.). Qom: Al-Hadi Publications.
1. A group of writers. (n.d.). *Masu'at of Doubts of Imam Ali* (Vol. 1) Qom: Hajj and Pilgrimage Organization.
 2. Aghapour, R. (1391 AP). The role of religiosity and faith factors in improving social relations from the perspective of the Qur'an. *Journal of Islam and Social Sciences*, 4(7), pp. 84-105. [In Persian]
 3. Amadi, A. (1393 AP). *Qurar al-Hikam va Durar al-Kalem*. (Vol. 1, Rahmati Shahreza, M, Trans., 3rd ed.). Qom: Sobhe Pirouzi. [In Persian]
 4. Amin, N. (1361 AP). *Makhzan Al-Irfan* (Vol. 1 & 15). Tehran: Muslim Women's Movement. [In Persian]
 5. Arousi Howeizi, A. (1415 AH). *Tafsir Noor al-Saqlain* (Vol. 5). Qom: Esmailian Publications. [In Arabic]
 6. Barhani, H. (1416 AH). *Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 5). Tehran: Bethat Foundation. [In Arabic]
 7. Elehiati, F. (1393 AP). *Church and Ummat; Faith community in Christianity and Islam*. Germany: Center for Islamic Theology, University of Münster. [In Persian]
 8. Fakhreddin Razi, A. (1420 AH). *Mafatih al-Ghaib* (Vol. 11). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
 9. Hosseini Shah Abdul Azimi, H. (1363 AP). *Tafsir Ithna Ashari* (Vol. 2, 12 & 14). Tehran: Miqat. [In Persian]
 10. Ibn Ashur, M. (1420 AH). *Al-Tahrir va al-Tanvir* (Vol. 30). Beirut: Al-Tarikh Al-Arabi Institute. [In Persian]
 11. Ibn Kathir Damesghi, E. (1419 AH). *Tafsir of the Great Qur'an* (Vol. 14). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
 12. Javadi Amoli, A. (1388 AP). *Thematic interpretation of the Holy Qur'an, Society in the Qur'an* (2nd Ed.). Qom: Israa. [In Persian]

۱۷۹
مُطالعات قرآنی

تواصی به حق و نقش آن در تحقق جامعه ایمانی با تأکید بر آیه ۳ سوره عصر

13. Khadimi, Z. (1395 AP). *The characteristics of the faith society and their behavior towards believers and unbelievers from the perspective of verses of the Qur'an and traditions* (supervisor: Mohsen Ehtshamiya). Master's thesis. Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Literature and Humanities. [In Persian]
14. Khamenei, S. A. (11/12/1369 AP). *Statements of the supreme leader of the revolution in the meeting with different sections of the people*. From: the Information Website of the Office for the Preservation and Publication of Leader's Works. <https://b2n.ir/w59313>. [In Persian]
15. Khamenei, S. A. (24/03/1391 AP). *Statements of the supreme leader of the revolution in the meeting with the representatives of the 9th Parliament*. From: the Information Website of the Office of Preservation and Publication of the Leader's Works. <https://b2n.ir/y74175>. [In Persian]
16. Khatibi, M. (1384 AP). *Comparative study of Islamic society and civil society*. Qom: Zamzam Hedayat. [In Persian]
17. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 2, 4th Ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]
18. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (Vol. 10, 53 & 91, 2nd Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
19. Makarem Shirazi, N. et al. (1374 AP). *Tafsir Nemouneh* (Vol. 1, 3, 4, 7, 17, 20 & 22). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
20. Mesbah Yazdi, M. T. (1387 AP). *Society and history from the perspective of the Qur'an*. Tehran: International. [In Arabic]
21. Mesbah Yazdi, M. T. (1391 AP). *Imam Sadiq's advice to honest path seekers* (3rd Ed.). Qom: Imam Khomeini Educational Research Institute. [In Persian]
22. Mesbah Yazdi, M. T. (1392 AP). Mutual social responsibility. *Pasdar Islam Magazine*, (383), pp. 14-15. [In Persian]
23. Mesbah Yazdi, M. T. (27/06/1392 AP). *A lesson on explaining the concepts and applications of truth in the Qur'an*. From: Ayatollah Mesbah Yazdi's Works Information Website. <https://b2n.ir/z82334>. [In Persian]

24. Meybodi, A. (1371 AP). *Kashf al-Asrar va Idah al-Abrar* (Vol. 4). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
25. Mirmodares, M. (1380 AP). *The ideal society*. Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
26. Mohammadi Reyshahri, M. (1391 AP). *Encyclopedia of Qur'an and Hadith* (Vol. 1 & 7, Sheikhi, H. R, Trans.). Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute. [In Persian]
27. Mohammadian Shadbad, Z; & Islampanah, M. (1397 AP). *God's management in the evolution of the faith community: the course of the revelation of the verses Ya Ayohal al-Ladina Aminou*. Tehran: Samir Publication. [In Persian]
28. Mostafavi, H. (1368 AP). *Research on the words of the Qur'an* (Vol. 2). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
29. Motahari, M. (1372 AP). *A collection of works, an introduction to Islamic worldview* (Vol. 5 & 6, 5th Ed.). Tehran: Sadra. [In Persian]
30. Motahari, M. (1382 AP). *Ten speeches* (19th Ed.). Tehran: Sadra. [In Persian]
31. Motahari, M. (n.d.). *Mahdi's uprising and revolution* (6th Ed.). Tehran: Sadra.
32. Qomi, A. (1386 AP). *Mafatih al-Jinan* (Kameraei, M. B, Trans., 8th Ed.). Mashhad: Astan Quds Razavi Publications. [In Persian]
33. Qomi, A. (1404 AH). *Tafsir Qomi* (Vol. 1, 3rd ed.). Qom: Dar al-Kitab. [In Arabic]
34. Qurashi, A. A. (1412 AH). *Qur'an dictionary* (Vol.2, 6th Ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]
35. Ragheb Esfahani, H. (1374 AP), *translation and research of Mufradat Alfaz al-Qur'an* (Vol. 1 & 4, 2nd Ed., Khosravi, Q. R, Trans.). Tehran: Mortazavi. [In Persian]
36. Sadouq, M. (1377 AP). *Kamal al-Din va Tamam Al-Na'amah* (Vol. 2, Kamraei, M. B, Trans.). Tehran: Eslamiyeh Bookstore. [In Persian]
37. Sediqi, K. (1393 AP). Self-improvement and community-building. *Electronic Journal of Saheb*, ID 381664. [In Persian]

38. Soroush Mahalati, M. (1393 AP). Islamic society or faith society. Dental Journal of the *Islamic Society of Dentists*, 26(1), pp. 7-5. [In Persian]
39. Soyouti, J. (1404 AH). *Al-Dor al-Manthour fi Tafsir al-Mathor* (Vol. 2 & 3). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic]
40. Tabarsi, F. (1360 AP). *Translation of Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 1, 6 & 27). Tehran: Farahani Publications. [In Persian]
41. Tabatabaei, S. M. H. (1374 AP). *Translation of Tafsir al-Mizan* (Vol. 6, 9, 11, 16, 18 & 20, Mousavi Hamedani, M. B. Trans.). Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
42. Tayeb, A. (1378 AP). *Atayeb al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 4, 6 & 12). Tehran: Islam Publications. [In Persian]
43. Tusi, M. (n.d.). *Al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 2, 5 & 10). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.
44. Zamakhshari, M. (1407 AH). *Al-Kashaf Haqa'iq Qawamiz al-Tanzil* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]